

هویت، گفتمان و سیاست گذاری جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام

حامد نظری^۱سید جواد امام جمعه زاده^۲علی علی حسینی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۸

فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

۲۳

چکیده

اندیشمندان سیاست گذاری برای بررسی عوامل تاثیرگذار بر محیط سیاستگذاری در ایران و جهان اسلام از روش های مختلفی بهره گرفته اند. پیچیدگی این محیط، ابعاد مختلف مسائل سیاسی، شرایط و عوامل متفاوت تاثیرگذار بر متغیرهای مورد مطالعه سیاستگذاری در جوامع مختلف جهان اسلام ایجاب می کند که تحلیلگران سیاسی، مجهز به رویکردهای روش شناسی مناسب باشند تا بتوانند این پدیده های چندوجهی را در چارچوب و زمینه خاص خود مورد مطالعه و بررسی قرار دهند. این مقاله در پاسخ به این سوال که چگونه میتوان سیاستگذاری های جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام را مورد تحلیل و بررسی قرار داد؟ مفاهیم هویت، گفتمان و ارتباط آن ها با سیاست گذاری را مورد بحث و بررسی قرار داده و با ارائه ی یک مدل در این زمینه سعی کرده به تحلیل سیاست گذاری های نظام جمهوری اسلامی ایران بپردازد. به اینصورت که با تأمل در مفهوم گفتمان و رابطه دانش، قدرت، هویت و بازتاب این رابطه در زندگی روزمره و سیاستگذاریهای جمهوری اسلامی ایران، میتوان به شناسایی، ارزیابی و بازاندیشی درمبانی سیاستگذاری جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام پرداخت.

واژه های کلیدی: هویت، گفتمان، سیاست گذاری جمهوری اسلامی ایران، جهان اسلام.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران. h2745n@Gmail.com

۲. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول) javad@ase.ui.ac.ir

۳. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. a.alihosseini@ase.ui.ac.ir

Copyright © 2010, SAIWS (Scientific Association of Islamic World Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

مقدمه

مطالعات سیاست گذاری عمومی درصدد پاسخ به این پرسش ها است که چه عواملی، چرا و چگونه سیاست های عمومی را شکل می دهند؟ این سیاست ها چه نتایج و اثراتی را دارند و چگونه اجرا می شوند؟ پژوهشگران عرصه سیاست گذاری عمومی رویکردها و روش های مختلفی را برای پاسخ به این سوال ها انتخاب می کنند. تنوع و چند بعدی بودن پدیده های مورد مطالعه این رشته ایجاب می کند که ما از روش های پژوهش متنوع و بین رشته ای استفاده کنیم. سیاست گذاری عمومی از روش های پژوهش در رشته های مختلف از جمله علوم سیاسی، جامعه شناسی، روان شناسی، اقتصاد و فلسفه استفاده کرده و آن ها را با هم تلفیق می کند.

پژوهش در حوزه سیاست گذاری در مرزهای روش شناسی پژوهش عمل می کند. نمی توان روش شناسی واحد و جامعی برای انجام تجزیه و تحلیل داده ها در پژوهش های سیاست گذاری عمومی معرفی کرد. پژوهشگران در حوزه سیاست گذاری از روش های مختلفی استفاده می کنند اما نکته ی بسیار مهمی را که باید در نظر داشت این است که سیاست های عمومی متأثر از زمینه و شرایط هر جامعه هستند و بدون توجه به این شرایط نمی توان تحلیل دقیق و واقع گرایانه ای ارائه داد.

در بسیاری از کشورهای جهان سوم و همین طور در ایران از سیاستگذاریها نتایج خوبی حاصل نمیشود و عموماً سیاستها با شکست مواجه میشوند و مسئله ای که سیاست برای حل آن وضع میشود، حل نشده باقی میماند. عدم حل مسئله میتواند ناشی از عدم شناخت درست مسئله، یا عدم تدوین سیاست درست، یا ناشی از اجرای ناکافی سیاست در سطح اجرا و یا حتی عدم یادگیری از سیاستهای قبلی و نتایج آنها باشد. لذا به منظور پیشگیری از شکست سیاستها، شناسایی گفتمان ها و اصولی که بایستی در تعریف مسئله، تدوین سیاست، اجرای سیاست و ارزیابی پسینی مورد توجه قرار گیرند، اهمیت بسیار زیادی دارد (بابایی و توکلی، ۱۳۹۶: ۶۴).

نوع سیاست گذاری های خارجی جمهوری اسلامی ایران در جهان و بالاخص در جهان اسلام در چهل ساله ی اخیر از موضوعات بحث برانگیزی بوده که همواره در کانون تحلیل های سیاسی قرار داشته است. اینکه چرا در دوره های مختلف ما با سیاست گذاری های متفاوتی روبرو می شویم. چرا دامنه ی این تغییرات سیاست گذاری از سیاست های تقابل جویانه تا سیاست های مسالمت آمیز را در بر می گیرد؟ آیا می توان در حوزه ی سیاست گذاری دلایلی علمی و واقعی برای این سوال ها یافت یا خیر؟ این مقاله درصدد برآمده است که با رویکردی گفتمانی و از دریچه ی هویت به حوزه سیاست گذاری



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association

فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش های بانی جهان اسلام
جمعه ترانست العالم الاسلامی

۲۴

سال یازدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۰



ورود پیدا کند. مفهوم «گفتمان» را به عنوان یک مفهوم محوری در حوزه سیاست گذاری در نظر بگیرد و رویدادهای سیاست خارجی را از این زاویه تحلیل کند و با تامل در رابطه گفتمان، هویت و سیاست گذاری به شناسایی، ارزیابی و بازاندیشی در مبانی سیاست گذاری عمومی بیناندیشید و با پردازش یک مدل مفهومی در این زمینه به تحلیل سیاست گذاری های خارجی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام پردازد. درواقع ویژگی های متمایز روش تحلیل گفتمان در عرصه سیاست و اجتماع به گونه ای است که با محور قرار دادن آن می توان پتانسیل های جدیدی را برای سیاست گذاری ایجاد کرد.

چارچوب نظری: رویکرد گفتمانی به سیاست گذاری از دریچه ی هویت

سیاست گذاری عمومی

بانگرتشی تاریخی میتوان گفت سه موج اصلی در علم سیاست به وقوع پیوسته است. موج اول رامیتوان ظهور فلسفه سیاسی دانست. آثار قابل ستایشی در این عرصه زاده شدند که سیاست و قدرت را از طریق، قرارداد اجتماعی، از آسمان به زمین آوردند (برای مثال ن. ک. : عالم، ۱۳۸۱). موج دوم این حوزه مطالعاتی گردش از فلسفه به علم است. همانگونه که فلسفه، سیاست رامادی وعینی ساخت پوزیتیویسم هم فلسفه سیاسی را عینی وتجربی ساخت. با این موج شاهد هجوم متدها و روشهای کمی گرا وتجربی به مطالعات سیاست ودولت هستیم. شاخص گزاریهاو کمی سازهای گاهارادیکال که از جامعه شناسی به سیاست هم کشیده شد به زودی چهره دانش سیاسی راتغییر داد وسرانجام می توان با کمی اغماض موج سوم در عرصه مطالعات سیاسی را الزام علم سیاست به بازکردن گرهی از زندگی سیاسی دانست. بعد از اینکه سیاست از آسمان به زمین آمد وبر روی زمین ملزم به اثبات ادعای خود شده اکنون نیاز بود تادست به حل مشکلات عینی اجتماع بزند. چنین بود که ضرورت تولد سیاستگذاری عمومی احساس شد.

از نیمه ی دوم قرن بیستم میلادی به بعد، رشته جدیدی به نام سیاستگذاری عمومی وارد حوزه علوم سیاسی معاصر گشته است. هنگام ورود به حوزه سیاست گذاری عمومی، پژوهشگر این سوال را که ((چه کسی حکومت می کند و چگونه؟)) رها می کند تا به این پرسش که ((چگونه و به وسیله ی چه کسی یک خط مشی یا سیاست عمومی تهیه و اجرا می گردد؟)) پاسخ دهد. (وحید، ۱۳۸۸: ۱۶).

در پاسخ به سؤال درمورد چیستی سیاستگذاری عمومی کوچران معتقد است سیاستگذاری عمومی به فعالیتهای حکومت ومقاصدی که برانگیزنده این فعالیت هاست اشاره میکند. (Birkland, 2005:21)، ازدیدگاه گایترز، سیاستگذاری عمومی به مجموعه فعالیتهای حکومتی گفته می شود که



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام

۲۶

سال یازدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۰

تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم بر زندگی شهروندان دارند (Peters, 2004:21). از نظر مالون سیاستگذاری عمومی دربرگیرنده برنامه های سیاسی برای اجرای طرحهایی به منظور دستیابی به اهداف اجتماعی است (Cochran and Malone, 1995). هارولد لاسول (Lasswell, 1959: 4) سیاستگذاری را برنامه مدونی از اهداف، ارزش ها و کنش ها می خواند. جیمز اندرسون (Anderson, 1990: 24) از مجموعه ای هدفمند از عمل سخن می گوید که یک بازیگریا مجموعه ای از بازیگران در ارتباط با یک مسئله یا موضوع مورد نظر آن را دنبال می کنند. ناتلی و ویب (Nutley & Weeb, 2000: 14) سیاستگذاری را فرایندی می دانند که دولت ها به وسیله آن دیدگاه سیاسی خویش را به برنامه ها و کنش هایی ترجمه می کنند تا نتایج آنها را توزیع نمایند. این تعریف یکی از بهترین تعاریف سیاستگذاری عمومی است به گونه ای که برخی از نویسندگان مانند برایان استوت و همکاران (۲۰۰۸: ۲۴) اگرچه از متخصصان حوزه جرم شناسی هستند، اما آن را تعریف اصلی در این زمینه می دانند. (ملک محمدی، ۱۳۹۴: ۱۷) از نظر توماس دای، سیاستگذاری عمومی آن چیزی است که حکومت تصمیم می گیرد تا انجام دهد یا کنار بگذارد. (Dy, ۲۰۰۲: ۱) از دیدگاه پیرمولر، سیاستگذاری عمومی یعنی «دولت در عمل» (مولر، ۱۳۷۹: ۱۱).

تحلیل گفتمان

تحلیل گفتمان، یک گرایش مطالعاتی بین رشته ای است، که از اواسط دهه ی ۱۹۶۰ تا اواسط دهه ی ۱۹۷۰ در پی تغییرات گسترده ی علمی و معرفتی، در رشته هایی چون علوم اجتماعی و انسانی ظهور کرده است. این گرایش به دلیل بین رشته ای بودن خیلی زود به عنوان یکی از روش های کیفی در حوزه های مختلف علوم سیاسی، اجتماعی، ارتباطات و زبان شناسی انتقادی مورد استقبال قرار گرفت.

واژه گفتمان به دلیل سیالیت معنا و تاریخچه ی پیچیده ای که داشته، در یک تعریف واحد و مشخص نمی گنجد. و هر یک از نظریه پردازان به شیوه ای متفاوت به آن می پردازند. استوبز ((زبان و رای جمله و عبارت)) را معنای گفتمان می داند. فسولد نیز مطالعه هر جنبه از کاربرد زبان را گفتمان می داند (Jaworski, & Nikolas Coupland, 1999: 1).

به طور کلی می توان گفت؛ گفتمان کلیتی است ساختاردهی شده که از عمل مفصل بندی حاصل می شود. مفصل بندی عبارت است از گردآوری عناصر مختلف و ترکیب آن ها در هویتی نو (هوارث، ۱۳۷۷: ۱۶۳). گفتمان ها در واقع منظومه های معانی هستند که در آنها نشانه ها با توجه به تمایزی که با یکدیگر دارند هویت و معنا می یابند. گفتمان ها تصور و فهم ما از واقعیت را شکل می دهند. بنابراین معنا و فهم انسان



همواره گفتمانی است (Howarth, 2000: 101-102). به طور مثال گفتمان تجدد، معانی و مفاهیمی را درون خود ایجاد و تولید کرده و فهم انسان مدرن از خود و جهان مبتنی بر آن معانی و مفاهیم شکل گرفته است. تحلیل گفتمان در معنای فنی تر خود به مجموعه ای بی طرف از ابزارهای روش شناسی برای تحلیل اشاره دارد. هر چند برخی از اندیشمندان مفهوم گفتمان را صرفاً متنی یا زبانی در نظر گرفته اند. اما در مقابل برای تحلیل گران گفتمان انتقادی مانند میشل فوکو، صورتبندیهای گفتمانی به مجموعه های عادی ایده ها و مفاهیمی که مدعی تولید دانش در مورد جهان هستند اشاره دارند. لاکلاو و موفه به توسعه مفهومی از گفتمان همت گماشته اند که به طور مشخص با فرایندهای سیاسی سروکار دارد. (مارش و استوکر، ۱۳۸۷: ۱۹۷-۱۹۵).

لاکلاو و موفه برگفتمانی بودن تمام حوزه های اجتماعی تاکید میکنند. بنابراین تحلیل گفتمانی لاکلاو و موفه با مجموعه وسیعی از داده های زبانی و غیر زبانی (گفتارها، گزارشها، حوادث تاریخی، مصاحبه ها، سیاستگذاریها، اعلامیه ها، اندیشه ها، سازمانها و نهادها) به مثابه متن بر خورده میکنند (فرقانی، ۱۳۸۲: ۶۰).

هویت

به نظریونت و فیرون هویت مجموعه ای از باورها در مورد خود، دیگران و روابط میان آنهاست. (Fearon, Wendt, 2005: 64) در همین زمینه تدهاف معتقد است که هویت ها در هر جامعه ای سه کارکرد دارند، به شما میگویند که کیستید، به دیگران میگویند که شما کیستید و به شما میگویند که دیگران کیستند (هاف، ۱۳۸۵: ۴۵۵).

هویت کنشگران یعنی کیستی و چستی شان راهنجاها، ارزش ها و ایده های نهادینه در محیط آن ها شکل می دهد و متعاقب شکل گیری این هویت است که کنشگران می توانند شکل گیری منافعشان را تعریف کنند؛ بنابراین هویت ها پایه و اساس منافع هستند و کشورها بر اساس مبنای هویتی که برای خود تعریف می کنند منافع خود را نیز تعریف می کنند (Smith, 2001: 225-226).

هویت، گفتمان و سیاست گذاری

هیچکدام از رویکردهای تحلیل انتقادی گفتمان، نگرش سنتی به فرد به عنوان یک سوژه ی خود مختار رانمی پذیرند. انسان آزاد، خود مختار و صاحب اراده ای که در عصر روشنگری در فلسفه ی عقل گرای دکارت و نگرشهای فردگرایانه لاک به دنیا آمده بود، بعدها توسط، مارکس، گرامشی، لاکان، آلتوسر و دیگران به تدریج محو شد. سوژه ی کنونی نه تنها خود مختاری اش را از دست داده است بلکه متفکران پس ساخت

گرای کنونی معتقدند که جنبه های اجتماعی و حتی فردی شخصیتش نیز بر ساخته ی تأثیرات ایدئولوژیک و روابط قدرت است. (سلطانی، ۱۳۸۴: ۸۸-۸۷).

در نظریه ی لاکلانو و موفه، هویت ثابت، دائمی و از پیش تعیین شده ای وجود ندارد، چرا که هویت ها در درون ساخت گفتمانی معنا پیدا می کنند. بنابراین هویت ها گفتمانی بوده و به عبارت بهتر، موقعیت هایی هستند که در درون گفتمان ها به فرد یا گروه اعطا می شوند. معنای یک نشانه در درون یک گفتمان هیچگاه تثبیت نمی شود و همواره احتمال رسوخ معنایی دیگر و گفتمانی دیگر وجود دارد. فرد به حسب موقعیت های مختلفی که گفتمان ها برای او ایجاد می کنند ممکن است هویت های مختلف به خود بگیرد (حقیقت و حسینی، ۱۳۸۷: ۱۱۹).

فهم لاکلانو و موفه از هویت و سوژه را می توان بدین شکل خلاصه کرد: سوژه همواره «تکه تکه» است و هیچگاه «خودش» را بازنمی یابد. سوژه هویت خود را از طریق «بازنمایی» در یک گفتمان و انتساب به یک «موقعیت گفتمانی» می یابد. گفتمان ها با تشکیل «زنجیره های هم ارزی» که در آنها نشانه ها مرتب میشوند و در تقابل با زنجیره های دیگر قرار می گیرند، هویت را بطور «رابطه ای» شکل میدهند. هویت ها همانند گفتمانهای «تغییر پذیر»ند. سوژه «خرد شده» و «بی مرکز» و همواره در حالت «بیش تعیین شدگی» است (سلطانی، ۱۳۸۴: ۹۱). در واقع زمانی که گفتمان مسلط دچار تزلزل شده و نتواند به عاملان اجتماعی هویت اعطا کند، امکان ظهور سوژه و مفصل بندی های جدید فراهم می گردد.

هانس این سوال را پیش می کشد که آیا هویت تأثیری بر سیاست می گذارد؟ به عبارتی دیگر آیا رابطه علت و معلولی میان هویت و سیاست وجود دارد؟ رویکرد پساساختارگرایان و خردگرایان در این زمینه متفاوت است. پساساختارگرایان به اهمیت هستی شناسانه رویه گفتمانی تاکید داشته و بر این باورند که هویت ها درون گفتمان تولید و باز تولید می شوند و هیچ گونه هویتی پیش از این فرایند مستقلاً وجود نداشته است. اما اگر هویت ها درون گفتمان تولید می شوند پس شاید بتوان گفت که سیاست، هویت را بر می سازد. اگر باز تولید هویت هایی چون هویت آلمانی یا بریتانیایی یا ... نبودی شک این هویت ها نبود شده بودند. بنابراین می توان نتیجه گرفت که این هویت ها سیال بوده و دائماً احیا می شوند. هویت ها به طور همزمان هم بر ساخته سیاست و هم بر سازنده آن هستند.. (Hansen, 1995: 23) (به نقل از: نقیب زاده و هموئی، ۱۳۹۲: ۹-۸)

گفتمان ها به گونه ای عمل می کنند که ذهنیت سوژه را در راستای دو قطب ما و آنها سامان می دهند. بر اساس همین ذهنیت دوگانه کلیه رفتارها و کردار سوژه به گونه ای شکل می گیرد که او تمامی پدیده ها را در



قالب دوگانه ((ما-آنها)) قرار داده و این دوگانگی به صورت برجسته سازی و حاشیه رانی در کردار و گفتار نمایان می شود. بنابراین هویت یابی به واسطه غیریت سازی و غیریت ها به کمک حاشیه رانی و برجسته سازی شکل می گیرند که خود شیوه ای برای حفظ و استمرار قدرت است. (سعید، ۱۳۷۹: ۴۹)

درنگاه لا کلا و موف هویت ها را گفتمان ها ایجاد می کنند و شکل گیری گفتمان مقدم بر شکل گیری هویت هاست. بنابراین هویت ها گفتمانی اند و به عبارت بهتر هویت ها موقعیت هایی هستند که در درون گفتمان ها به فرد یا گروه داده می شوند. هویت گفتمانی از طریق زنجیره هم ارزی که در آن نشانه های مختلف در تقابل با زنجیره هایی دیگر با هم مرتبط شده اند ایجاد می شود. هویت ها همچون نشانه های زبانی در تمایز با غیر شکل می گیرند. (نقیب زاده هومونی، ۱۳۹۲: ۱۲).

شکل گیری هویت → شکل گیری گفتمان

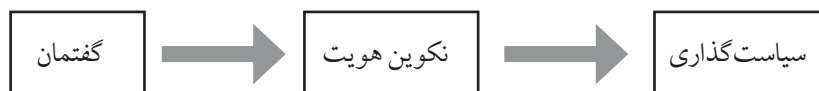
گفتمان در درجه اول و مهم تر از همه یک عمل اجتماعی است که ذهنیت را نشان می دهد؛ آن را در یک رابطه آشکار می کند و پیامدهای عملی دارد. در طول فرآیند سیاست گذاری این شیوه های گفتمانی هستند که معنا را تعیین، هویت ها را خلق، قدرت را توزیع و راه حل ها را منتشر می کنند، باعث اقناع یا اختلاف می شوند و به قدرت مشروعیت می بخشند. (حق شناس، ۱۳۹۷: ۲۲۰)

بر مبنای نظریه لا کلا و موف که معناداری یک عمل و پدیده را مشروط بر قرار گرفتن در چهار چوب یک گفتمان می داند، سیاست گذاری ها نیز در دوره های مختلف برای معنادار شدن میبایست که گفتمانی باشند. و از آن جا که در دوره های مختلف بزرگترین و قوی ترین بازیگر سیاست داخلی ایران، دولت ها بوده اند؛ می توان سیاست گذاری را از گفتمان کلی حاکم بر دولت ها استخراج کرد.

به سوی روشی تلفیقی در سیاست گذاری عمومی:

به طور کلی و با توجه به مطالب ارائه شده می توان یکی از مدل های مطلوب جهت تجزیه و تحلیل سیاست گذاری را به صورت زیر صورت بندی نمود:

مدل مفهومی روش تحلیل سیاست گذاری های عمومی (یک روش تلفیقی)



به هنگام طراحی سیاست گذاری ها به طور صریح یا تلویحی به ارزش یا ارزش هایی استناد می شود.

همچنین نحوه تعریف مساله، تصمیم‌گیری‌ها و گزینش از میان بدیل‌های موجود و ارزیابی خط مشی‌ها؛ همگی به ارزش و تفسیر ذهنی از ارزش‌ها مربوط می‌شود. (Smith and Larimer, 2009: 184) به همین دلیل است که برخی در تعریف سیاست‌گذاری عمومی آن را به عنوان ابزاری برای تخصیص و توزیع اقتدار آمیز ارزش‌ها معرفی کرده‌اند. (Smith and Larimer, 2009: 189)

این ارزش‌ها و تفاسیر ذهنی همگی معنای خود را از درون گفتمان‌ها و هویت‌ها کسب می‌کنند این گفتمان‌ها هستند که برخی امور را با ارزش و برخی دیگر را بی ارزش؛ برخی را هنجار و برخی دیگر را ضد هنجار جلوه می‌دهند و از این طریق برای افراد، گروه‌ها و جوامع هویت‌سازی می‌کنند. این گفتمان‌ها در زمان طراحی سیاست‌گذاری‌ها از همان مرحله ابتدایی شناخت مشکل و تعیین مساله تا مرحله‌ی نهایی ارزیابی از تمام این امور بهره می‌برند و به نوعی سیاست‌گذاری را نیز به یک امر گفتمانی تبدیل می‌کنند. به صورت کلی می‌توان گفت، گفتمان‌های متفاوت دولت‌ها، هویت‌های متفاوتی را برای آنها می‌سازند و منافع و ارزش‌های متفاوتی را نیز برای آن‌ها ایجاد می‌کنند و لزوماً رسیدن به این منافع و ارزش‌ها، سیاست‌گذاری‌های متفاوتی را نیز برخواهدانگیخت. نگاهی به گفتمان و سیاست‌گذاری در دولت‌های پس از انقلاب در دوره‌های مختلف جمهوری اسلامی بیانگر همین موضوع می‌باشد.

از قابلیت‌های این مدل علاوه بر تحلیل و پیش‌بینی پذیر ساختن سیاست‌گذاری دولت‌ها؛ ارائه تجویزات سیاست‌گذارانه‌ای برای سیاست‌مداران و تصمیم‌گیرندگان دولتی است. در همین زمینه؛ هنگام بررسی نظریه‌های سیاست‌گذاری بهتر است ببینیم که آیا هریک از این نظریه‌ها علاوه بر اینکه یک نظریه توصیفی و تبیینی هستند آیا در زمینه سیاست‌گذاری یک نظریه تجویزی نیز هستند یا خیر؟ به عبارت دیگر آیا این نظریه‌ها می‌توانند با انجام پیش‌بینی‌ها و با تعیین اولویت‌ها، هدف‌ها و ارزش‌ها هدایتگر سیاست‌گذاری باشند یا خیر؟

از مهم‌ترین این تجویزات سیاست‌گذارانه می‌توان به این مطلب اشاره کرد که: اگر سیاست‌گذاری کشوری در جهت تغییر عمل کند، می‌بایست در چارچوب گفتمان همان کشور به دنبال این تغییر باشد و گرنه باشکلی‌گیری بحران هویت، کل آن گفتمان و اساسی شده به ورطه سقوط، نزول خواهد کرد. در ضمن دولت‌ها برای بیان سیاست‌گذاری‌هایشان می‌بایست یک گفتمان داشته باشند و آن گفتمان را در کانون سیاست‌گذاری خود قرار دهند. بنابراین گفتمان هر کشور یا دولتی می‌بایست نسبت به سیاست‌گذاری‌های آن دولت تقدم وجودی و زمانی داشته باشد و قوام دهنده‌ی رفتار آن دولت باشد. برای شناخت سیاست‌گذاری هر دولتی شما ناگزیر از شناخت گفتمان آن دولت هستید. مثلاً شما



با شناخت گفتمان اصولگرایی می توانید پیش بینی کنید که چنانچه دولتی اصولگرا قدرت را در دست بگیرد چه سیاست هایی را در جهان اسلام در پیش خواهد گرفت. بنابراین با شناخت یک گفتمان؛ شناخت سیاست گذارهای آن گفتمان نیز دور از دست نخواهد بود و بالعکس با شناخت سیاست گذارهای یک گفتمان می توان به اصول آن گفتمان پی برد مثلاً اصولگرایانی که دال مرکزی گفتمانشان اسلام سیاسی فقهاتی است چنانچه بخواهند واقعا مبتنی برگفتمانشان سیاست گذاری و اقدام کنند یکی از محوری ترین سیاست هایشان حمایت از فلسطین خواهد بود. اما در گفتمان اصلاح طلبی از آن جایی که دال مرکزی گفتمانشان از اسلام سیاسی فقهاتی فاصله داشته و به اسلام لیبرال نزدیک تر است لذا تنش زدایی در عرصه سیاست خارجی در دستور کار قرار خواهد گرفت.

هویت و گفتمان انقلاب اسلامی ایران

هویت هر دولت تلویحا گویای ترجیحات و کنش های بعدی آن دولت است. زیرا تا وقتی که یک دولت نداند که کیست، نمی داند چه می خواهد. در ضمن از آنجایی که گفتمان ها به عنوان منابع تکوین دهنده هویت، در چگونگی تفسیرکنشگران از محیط خود بسیار تعیین کننده می باشند بایستی به عنوان یکی از منابع مهم تحلیلی در پیدایی رفتار و چگونگی آن، مورد توجه یک سیاست گذار قرار بگیرند.

بنابراین برای فهم اینکه چرا دولت ها در یک زمینه خاص دارای سیاستی خاص هستند، می بایست به بررسی این موضوع پرداخت که آن ها براساس گفتمان و هویت تعریف شده برای خود، چه تصویری از منافع و محیطی که در آن زندگی می کنند دارند و اینکه چگونه این تصور تبدیل به سیاست گذاری آنها می شود. بابررسی گفتمان انقلاب اسلامی ایران مشخص می گردد که این گفتمان مبتنی بر اسلام سیاسی شکل گرفته است. گفتمان اسلام سیاسی مستقیماً فهم رایج از نقش خنثی و خاموش مذهب در سیاست و اخلاق را هدف قرار داده و برای شکل دادن و بنیان گذاری نظامی جدید در تضاد با جهان بینی مادی و سلطه گرای غربی تلاش می کند و همگرایی جهان اسلام را به منظور مقابله با سلطه فرهنگی و ارزشی غرب و احیای فرهنگ و ارزش های دینی - توحیدی پی می گیرد. (ملایی و کافی، ۱۳۹۲: ۱۲۳)

گفتمان اسلام سیاسی فقهاتی انقلاب اسلامی ایران، اندیشه سیاسی را در ایران، جهان اسلام و حتی بنا به اظهار صاحب نظران برجسته، در مغرب زمین وارد مرحله جدیدی کرد و بر خلاف فرایند چند صد ساله مسلط سکولاریسم در جهان در فرایندی معکوس، نه تنها باعث پیروزی انقلاب اسلامی ایران شد، بلکه الگویی الهام بخش از رابطه دین و سیاست برای ایجاد تغییرات اجتماعی، نظام سازی سیاسی و استمرار

آن ارائه نمود. آنچه این گفتمان را تأثیرگذار کرد، مبانی و شاخص‌های محکم اندیشه‌ای برگرفته از دین اسلام بود. (بردبار، ۱۳۹۵: ۱) به همین دلیل است که این گفتمان نوع هویت مطلوب برای دولت جمهوری اسلامی ایران را یک هویت ((انقلابی - اسلامی)) می‌داند. منابع این هویت شامل هنجارها و آموزه‌هایی است که کاملاً از فرهنگ مذهبی - اسلامی با تأکید بر عنصر شیعی سرچشمه می‌گیرند و بخش دوم نیز شامل ایستارها و ادراکات موجود در فرهنگ سیاسی ایرانیان است. این دو دسته از منابع با قوام بخشی به یکدیگر و شکل دهی به هویت جمهوری اسلامی ایران؛ سیاست‌گذاری‌های نظام را رقم خواهند زد.

مجتهدزاده با بیان اینکه تشیع در قبل از انقلاب اسلامی در این کشور با آموزه‌های ملی ایرانیان آمیخته شد و این آمیختگی به حفظ و تقویت هویت تاریخی و فرهنگی ایران منجر شد، یکی از خدمات شیعه به ایران را در همین احراز هویت فرهنگی و ملی جداگانه و متمایز، نسبت به خلافت عربی می‌داند (رسولی ثانی آبادی، ۱۳۹۰: ۱۶۲-۱۶۳). به نظر گراهام فولر تشیع آموزه‌ای است که بخش اعظم روحیه ایرانی و هویت آن را تجسم می‌بخشد، تشیع و آموزه‌های آن یکی از خصوصیات است که به دشواری می‌توان آن را از ادبیات سیاسی، اجتماعی و تحلیل سیاست خارجی ایران جدا کرد (فولر، ۱۳۷۳: ۱۷).

با وقوع انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی (ره) به عنوان رهبر این انقلاب به احیاء گفتمان اسلام سیاسی روی آورد و گفتمان اسلام سیاسی فقهاتی را در مرکز سیاست‌گذاری قرار داد. ایشان بر بعد سیاسی آموزه‌های اسلامی مبتنی بر تفسیر مکتب شیعه و پیوند دین با سیاست تأکید کرده و در همین راستا هدف نهایی انقلاب را که به بیان ایشان ماهیتی کاملاً اسلامی داشت، بازگرداندن هویت اسلامی به ایران ذکر کردند (صحیفه نور، ۱۳۶۹: ۱۷۸، ج ۵) چرا که از نظر ایشان رژیم پهلوی و دیگر رژیم‌های سابق و همچنین دولت‌های اموی و عباسی همگی در یک معنا مشترک بودند و آن این بود که نمی‌خواستند اسلام آن‌طور که هست، تحقق پیدا کند (صحیفه نور، ۱۳۶۹: ۱۹۹ ج ۴). بنابراین اولین وظیفه دولت جدید جمهوری اسلامی ایران آن بود که اسلام و آموزه‌های آن را در همه ابعاد زندگی از جمله سیاست، بی‌کم و کاست پیاده کند.

بنابراین با وقوع انقلاب اسلامی در ایران، هنجارهای ناشی از فرهنگ اسلامی مبتنی بر آموزه‌های مکتب شیعه به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع شکل دهنده هویت جمهوری اسلامی ایران، برای این نظام به صورت یک ایدئولوژی سیاسی درآمده و علاوه بر تکوین هویتی خاص برای آن، یک نظام اخلاقی و ارزشی خاصی را نیز برای قضاوت و داوری در مورد سیاست‌ها، اقدامات و رفتارهای این کشور و سایر کشورها ایجاد و تعیین می‌کند (Mirbaghari, 2004: 558)

در نهایت این گفتمان و هویت برآمده از آن در زمینه‌ی سیاست خارجی با طرح‌هایی نظیر نظریه



فصلنامه علمی - پژوهشی
مجموعه‌ی دراست‌های اسلامی

صدور انقلاب، نظریه‌ام القری و طرح تشکیل خاورمیانه اسلامی در برابر خاورمیانه بزرگ آمریکا در صدد سیاست گذاری برمی آیند. طرح خاورمیانه اسلامی که به عنوان یکی از مهم ترین سیاست های این گفتمان در سال ۲۰۰۶ مطرح می شود، با ظهور خود می تواند مختصات متفاوتی را بر منطقه حاکم کند. ظهور خاورمیانه اسلامی و رویکرد مسلمانان به آن از یک سوبه افزایش قدرت ایران به عنوان بازیگر اصلی منطقه می انجامد و از سوی دیگر جمهوری اسلامی را به محور اتکای جهان اسلام تبدیل می کند و این روند دقیقاً نقطه مقابل منافع منطقه ای نظام سلطه قرار دارد. (مسعودنیا و صادقی نقدعلی، ۱۳۹۲: ۹۷).

سیاست گذاری های جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام

گفتمان انقلاب اسلامی پس از پیروزی در سال ۱۳۵۷ در اولین گام های استراتژیک خود به باز تعریف بنیادین در حوزه سیاست گذاری داخلی و خارجی پرداخت و معیارهای متفاوتی را برای تعریف و تعیین "خود" و "دیگر" در عرصه ملی و فراملی ارائه داد. این گفتمان ارزشهای جدیدی همچون معنویت و اخلاق را به عنوان زیربنای گفتمان جدید در نظام بین الملل مطرح کرده و در جایگاه رقیبی جدی برای ایدئولوژی های مادی گرای غربی، چالشهای جدی برای قدرتهای بزرگ غرب ایجاد نموده است. بگونه ای که ماهیت، ایدئولوژی و رهبری انقلاب اسلامی توانسته در نقاط مختلف جهان، به ویژه جهان اسلام، حرکت های اصولگرایی اسلامی پدید آورد یا حرکت های منفعل قبلی را فعال سازد (سرخیل، ۱۳۹۸: ۱۷۸).

اولین و مهم ترین سیاست گذاری در تاریخ انقلاب اسلامی را می توان تعیین شکل و نوع حکومت دانست. اتفاقی که در ۱۲ فروردین سال ۱۳۵۸ و با فراراندوم شکل گرفت و «جمهوری اسلامی» به عنوان نوع حکومت ایران مورد پذیرش مردم قرار گرفت. مرتضی مطهری از متفکران انقلاب اسلامی جمهوریت را شکل نظام اسلامی و اسلام را محتوای آن می داند: «جمهوری اسلامی از دو کلمه مرکب شده است کلمه جمهوری و کلمه اسلامی، کلمه جمهوری شکل حکومت پیشنهاد شده را مشخص می کند و کلمه ی اسلامی محتوای آن را.» (مطهری، ۱۳۷۹: ۷۹)

احیای آموزه «حکومت دینی» در بستر تفکر اسلامی از جمله دستاوردهای بسیار مهم امام خمینی می باشد. آنچه امروزه با عنوان «اسلام سیاسی» در ایران شناخته می شود، نتیجه اندیشه سیاسی امام خمینی می باشد که توانست در سطح حکومتی مطرح گردد. امام خمینی زمانی بیان داشتند که «در زندگی انسان حتی يك مساله هم وجود ندارد که اسلام از قبل راه حل و دستور العملی برای آن فراهم نکرده باشد. (مصلی نژاد، ۱۳۸۶: ۲۴۱)

بر همین اساس مولفه های گفتمان اسلامی شاکله اصلی قانون اساسی و نهادهای حیاتی جمهوری اسلامی ایران را تشکیل دادند. قانون اساسی از ۱۷۵ اصل تشکیل شد و در اواخر سال های حیات [آیت الله] خمینی، چهل مورد اصلاحیه به آن افزوده شد. این اصول خطوط کلی سیاست گذاری های مختلف داخلی و خارجی جمهوری اسلامی را مشخص می کنند.

انقلاب اسلامی ایران متأثر از يك ایدئولوژی طبقاتی یا گروهی نبود، بلکه از ایدئولوژی اسلامی نشأت گرفته بود که هم با نظام استبدادی و هم با نظام استعماری در تضاد بود. درضمن مهم ترین هدف خود را برقراری عدالت در سطح جامعه و نظام بین الملل قرار داده بود. (ستوده، ۱۳۸۱: ۷۹)

در نتیجه فرآیند فوق، ایران به عنوان مرکز جدید جوامع اسلامی محسوب می شد. جامعه ای که توانسته بود با انقلاب درونزای خود بسیاری از الگوهای رایج را به چالش فرا خواند. از این جهت ایران بعد از انقلاب اسلامی به عنوان مرکز اخلاقی و سیاسی جهان اسلام بویژه در خاورمیانه تلقی می شد. این امر به گونه ای اجتناب ناپذیر، سیاست خارجی ایران را تحت تاثیر قرار می داد. زیرا جوامع اسلامی احساس شدیدی به حمایت انقلاب اسلامی داشتند. بدین ترتیب شکل گیری، تصمیم گیری و جهت گیری سیاستگذاری ها در کشور ایران به شدت متأثر از مؤلفه های هویت اسلامی قرار گرفت.

از طرف دیگر در سال های پس از انقلاب، به علت اینکه بسیاری از انقلابیون ایرانی تحت تاثیر اندیشه ها و نوشته های نویسندگان اسلامگرای حوزه عربی جهان اسلامی همچون سید قطب بودند. سیاست مطلوب بسیاری از آنها انترناسیونالیسم اسلامی بود که همین سیاست آنها را به سوی حمایت از گروهها و جنبش های اسلامی گرای حوزه جهان عرب و رابطه با آنها سوق می داد. گذشته از این، بسیاری از نخبگان مذهبی دست اندرکار جمهوری اسلامی ایران از سالهای پیش از انقلاب روابط گستره ای با کشورهای حوزه عربی و اسلامی همچون لبنان، عراق و حوزه عربی خلیج فارس داشتند. همین دلایل کافی بود که عنصر ملی هویت در ایران به حاشیه رانده شود.

ظهور گفتمان های مختلف در ذیل گفتمان انقلاب اسلامی ایران

در دهه ی چهل جریان های گوناگونی در بازسازی سیاسی اسلام نقش داشتند. ماهیت متفاوت این نیروها به تفسیرهای متنوع از اسلام دامن زد و گفتمان اسلام سیاسی را در درون خود به شاخه ها و خرده گفتمان های متفاوت تقسیم کرد. گفتمان دولت های مختلف در جمهوری اسلامی بین گفتمان اسلام سیاسی فقهاتی و اسلام لیبرال در رفت و آمد بوده است. در این بخش به دلیل نقش بی بدیل دولت ها و روسای



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های بای جهان اسلام

۳۵

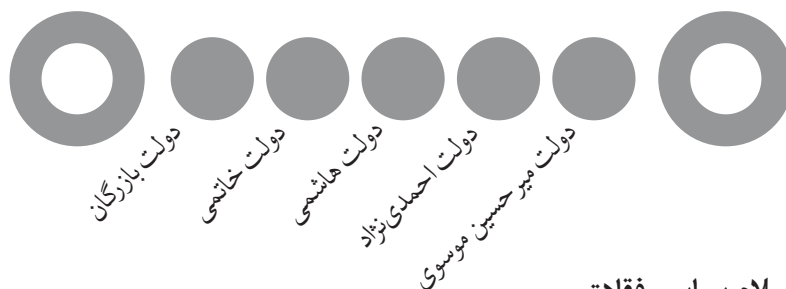
هویت، گفتمان و سیاست گذاری جمهوری اسلامی ایران در جهان ...

جمهوری منتخب مردم در نمایندگی از خرده گفتمان های مختلف و هم اینکه سیاست گذاری های اصلی از طریق دولت ها شکل گرفته یا اجرا می شود به همین دلیل ما ادامه ی پژوهش خود را با در نظر گرفتن گفتمان ها یا خرده گفتمان هایی که در دولت های مختلف ظهور پیدا کرده اند به پیش خواهیم برد و به بررسی گفتمان های هویتی و سیاست گذاری های آنها در جهان اسلام خواهیم پرداخت:

- گفتمان اسلام لیبرال مهندس بازرگان (دولت موقت و بنی صدر)
- گفتمان اسلام فقه‌ا‌ه‌ت‌ی و انقلابی رجایی، آیت الله خامنه ای، میرحسین موسوی
- گفتمان اسلام تکنوکرات هاشمی با تاکید بر توسعه اقتصادی در قالب گفتمان سازندگی
- گفتمان اسلام لیبرال خاتمی با تاکید بر توسعه سیاسی در قالب گفتمان اصلاحات
- گفتمان اسلام فقه‌ا‌ه‌ت‌ی و انقلابی احمدی نژاد در قالب گفتمان عدالت
- گفتمان اسلام اعتدالی لیبرالی روحانی در قالب گفتمان اعتدال

اسلام سیاسی لیبرال

اسلام سیاسی فقه‌ا‌ه‌ت‌ی



گفتمان اسلام سیاسی فقه‌ا‌ه‌ت‌ی

گفتمان اسلام سیاسی فقه‌ا‌ه‌ت‌ی، که به پش‌ت‌وانه امام خمینی و روحانیت قدرت‌مندترین گفتمان هویتی موجود به شمار می‌آید سیاست های خود را در داخل کشور در قالب هایی نظیر جمهوری اسلامی، فقه و احکام اسلامی، ولایت فقیه، اجتهاد و تقلید، نظارت علما، روحانیت، حجاب، تعهد، اسلامی کردن جامعه و دانش ها و دانشگاه‌ها، انقلاب فرهنگی، حفظ ظواهر شرعی، محدودیت آزادی به چارچوب شرع، اجرای حدود و مجازات‌های اسلامی، امت‌گرایی اسلامی در برابر ملی‌گرایی ایرانی، حمایت از مستضعفان و جنبش‌های آزادی بخش، دفاع از فلسطین و صدور انقلاب پیگیری می‌کرد. در این عصر طرفداران این گفتمان در برابر هویت غربی نظام بین الملل می‌کوشیدند تا زنجیره هم‌ارزی خود را در برابر فرهنگ و تمدن غربی و همه گفتمان‌های سکولار سامان دهند و به ویژه، بر دشمنی با آمریکا و اسرائیل به عنوان مهم‌ترین نم‌ود‌های کفر و ظلم اصرار می‌ورزید.

هدف گفتمان اسلام سیاسی فقهاتی بازسازی جامعه ایرانی براساس احکام فقهی اسلامی بود و هرگونه تقلید از غرب را نکوهش می کرد. همچنین می کوشیدند تا از سنت ها، نهادها و شعائر مذهبی، و به طور کلی هویت دینی جامعه، در برابر هجوم هویت سکولار غربی دفاع کنند. بنابراین، به حاشیه رانی هویت غرب سکولار و برجسته کردن سنت ها و باورهای مذهبی شیعه که دغدغه اصلی حامیان این گفتمان به شمار می آمد، پرداختند. این جریان سعی کرد در برابر اومانیسم، سکولاریسم، ملی گرایی، حقوق بشر و دموکراسی غربی، بر خدامحوری، سیطره دین بر جامعه و سیاست، امت گرایی، حقوق بشر اسلامی و ولایت فقیه تاکید نماید.

گفتمان اسلام سیاسی لیبرال

این جریان با تاکید بر دموکراسی و آزادی و با تفسیری لیبرال از متون شیعی به دنبال یاری گرفتن از مذهب در رویارویی با استبداد کهن ایرانی و ایجاد حکومتی دموکراتیک مبتنی بر فرهنگ و ارزشهای اسلامی است. روشنفکران و علمای آزادی خواه ایرانی از قرن نوزدهم و در نخستین گام های مبارزه با استبداد و وعقب ماندگی به تأمل در ظرفیت های آزادیخواهانه مذهب پرداخته و کوشیدند تا از آن تفسیری آزادی خواهانه و دموکراتیک ارائه دهند. گفتمان مشروطه ی ایرانی مولود این اندیشه بود که با ناکامی آن، روشنفکران مذهبی به گفتمان اسلام سیاسی لیبرال و نظریه ی حکومت دموکراتیک اسلامی متمایل شدند. (حسینی زاده، ۱۳۹۵: ۱۹۵) مهدی بازرگان مهم ترین طراح و نظریه پرداز این گفتمان به شمار می آید.

سیاستگذاری خارجی در گفتمان اسلام لیبرال و اسلام فقهاتی

گفتمان اسلام فقهاتی با قرائت امام خمینی برای پیشبرد اهداف جهانی اسلام و تحقق امت واحد اسلامی هرگز پایبند به محدودیت های ملی نبود. از نظر ایشان- بر خلاف نظر ملی گرایان و شبه روشنفکران مذهبی- گسترش نفوذ اسلام در کل جهان به عنوان يك راهبرد بزرگ در سیاستگذاری خارجی مطلوب امام خمینی محسوب می گردد و به همین دلیل همواره مصالح اسلام و مسلمانان را در کنار مصالح و منافع ملی قرار داده و مسئولیت در مقابل مسائل و مشکلات جهان اسلام را که به تصریح قرآن «امت واحده» هستند، يك اصل مسلم اسلامی و انسانی تلقی کرده اند. (موسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۸۱)

به اعتقاد امام، جهان را از طریق فرهنگ و تبلیغات می توان فتح کرد و نظریه صدور انقلاب اسلامی سیاستی در این راستا است. صدور انقلاب از دیدگاه امام به معنی صدور اسلام ناب، صدور پیام و



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعه تر است العالم الاسلامی

فصلنامه علمی- پژوهشی
پژوهشهای بای جهان اسلام

۳۶

سال یازدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۰



فرهنگ انقلاب اسلامی و در یک کلام ترویج و اشاعه‌ی تفکر ظلم ستیزی و استکبارزدایی انقلاب در میان ملل مستضعف و اسلامی است و این با آن‌چه که دشمنان اسلام از آن به کشورگشایی و دخالت در امور دیگر کشورها نام برده‌اند تفاوت بنیادی دارد. «صدور انقلاب به لشکرکشی نیست، بلکه می‌خواهیم حرفمان را به دنیا برسانیم....» (صحیفه نور، جلد ۱۹: ۴۰۴). «ما که می‌گوییم. انقلابمان را می‌خواهیم صادر کنیم.... همین معنایی که پیدا شده، همین معنویی که پیدا شده است در ایران.... این را صادر کنیم.» (جلد ۱۳: ۹۰)

طرفداری نخبگان گفتمان اسلام لیبرال بالاخص بازرگان از ایده‌های ملی‌گرایانه و لیبرال، بین او و گفتمان اسلام سیاسی فقهاتی شکافی روزافزون به وجود آورد. «هدف دولت موقت خدمت به ایران از راه اسلام و به دستور اسلام بود، در حالی که امام خمینی خدمت به اسلام از راه ایران را اختیار کرده بود (بازرگان، ۱۳۶۳: ۱۱۲)

مولفه‌ی اصلی گفتمان اسلام لیبرال در این دوره، لیبرالیسم و مسالمت‌جویی است. در عرصه‌ی عملی نیز مهم‌ترین مولفه‌ی سیاست‌گذاری خارجی دولت موقت مبتنی بر عدم به کارگیری زور یا مسالمت‌جویی مفرط است. به طوری که یکی از مهم‌ترین انتقادات نخبگان اسلام فقهاتی علیه دولت موقت، سازشکاری بیش از حد آن در سیاست خارجی بود. درضمن ماهیت جمهوری اسلامی، در گفتمان اسلام لیبرال همانند دیگر کشورها ماهیتی ملی، عرفی، سکولار و مبنای سرزمینی دارد. یک واحد سیاسی است که در محدوده‌ی جغرافیایی مشخص و معینی تشکیل یافته و از حاکمیت و مسئولیت برخوردار است. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۸-۱۹۷)

در حالیکه از دیدگاه انقلابیون معتقد به گفتمان اسلام فقهاتی رفتارهای انقلابی باعث تداوم و تقویت انقلاب در داخل و خارج می‌شود و در صورت متوقف شدن رفتار مبتنی بر هویت انقلابی، انقلابیون عافیت طلب گشته و انقلاب به حالت انفعال دچار می‌شود. اما در مقابل برای اعضای دولت موقت بعد از پیروزی انقلاب، زمان رفتارهای انقلابی سپری شده و زندگی باید به روال عادی و طبیعی خود باز می‌گشت. به همین دلیل آنها از انقلابیون و روحانیون می‌خواستند که به خانه‌های خود برگردند و سیاست را به آنها واگذار نمایند. اما انقلابیون نه اعتماد به لیبرال‌ها داشتند و نه حاضر بودند میدان سیاست را برای آنها خالی کنند.

بعد از وقایع سفارت امریکا شکاف بین هواداران گفتمان اسلام لیبرال و اسلام سیاسی فقهاتی به سرعت تشدید شده و به گسست کامل بین آنها رسید. از طرف دیگر سایر احزاب و گروههای غیر لیبرال نیز از همان ابتدای انقلاب روی به انتقاد از نوع گفتمان طرفداران اسلام لیبرال آورده بودند و آنها را متهم به

دفاع از امپریالیسم می نمودند. به طور مثال احزاب چپ گرا مثل سازمان مجاهدین خلق، فداییان خلق و حزب توده، به دلیل مذاکره اعضای دولت موقت با امریکا، انتقادات شدیدی را علیه سیاست خارجی دولت موقت انجام دادند. در عرصه داخلی با فشار به دولت موقت، خواستار ملی کردن و دولتی کردن اقتصاد، مخالفت با سرمایه داری و اقتصاد بازار آزاد بوده و بازرگان را متهم به دفاع از امپریالیسم و عدم فعالیت انقلابی نمودند.

این روند تقابل و چالش بین طرفداران گفتمان اسلام لیبرال و گفتمان اسلام سیاسی فقهاتی در مقاطع بعدی انقلاب نیز همچنان ادامه پیدا کرد. البته نه به صراحت سالهای آغازین انقلاب؛ اما همواره این چالش وجود داشته. با مرور جدول صفحه ی بعد می توان با گوشه هایی از این چالش گفتمانی که خود را در سیاست گذاری ها نشان داده آشنا شد. در این جدول سعی شده است با تاکید بر سیاست گذاری های خارجی دولت های مختلف پس از انقلاب به بررسی سیاست گذاری های جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام پرداخته و روند تغییرات آن ها با کمک از مدل مفهومی طرح شده در این مقاله مورد بررسی قرارگیرد.



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش های بانی جهان اسلام

۳۸

سال یازدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۰

ردیف	دولت	گفتمان	هویت	سیاست گذاری
۱	بازرگان	اسلام لیبرال	لیبرال	سیاست نگاه به غرب/ سازش با غرب صلح گرایی و مسالمت جویی عدم مداخله در امور داخلی کشورها
۲	موسوی از ۶۰ تا ۶۸	اسلام سیاسی فقهاتی رادیکال	اسلامی - انقلابی - سنتی	سیاست استقلال طلبی از شرق و غرب استکبارستیزی/ عدم سازش و حتی مبارزه با غرب نظریه صدور انقلاب حمایت از نهضت های آزادی بخش در جهان اسلام بی اعتمادی به سازمان های بین المللی
۳	هاشمی رفسنجانی ۶۸ تا ۷۶	گفتمان سازندگی برگرفته از اسلام تکنوکرات که در بین طیف اسلام سیاسی فقهاتی و لیبرال قرار دارد	تجدد - سنتی - اسلامی	تنش زدایی با غرب / عدول از نظریه صدور انقلاب و استفاده از نظریه ام القرایی همزیستی مسالمت آمیز و عادی سازی روابط با کشورهای جهان اسلام چندجانبه گرایی و تعامل با سازمان های بین المللی نظیر سازمان کنفرانس اسلامی و جنبش عدم تعهد
۴	خاتمی ۷۶ تا ۸۴	گفتمان اصلاحات: حرکت به سمت اسلام سیاسی لیبرال	تجدد - غرب گرایی - اسلامی باتاکید بر هویت ملی	سیاست نگاه به غرب توسعه سیاسی و گفت و گوی تمدن ها تنش زدایی، صلح گرایی و اعتماد سازی عدول از تئوری ام القری

۵	احمدی نژاد ۹۲ تا ۸۴	احیاء اسلام سیاسی فقه‌ای	سنتی - انقلابی - اسلامی - ایرانی	بازگشت به شعارهای ابتدای انقلاب تقابل با غرب تقابل با رژیم صهیونیستی حمایت از نیروهای مقاومت سیاست نگاه به شرق
۶	روحانی ۴۰ تا ۹۲	التقاط اسلام سیاسی لیبرال با حفظ رگه‌هایی از اسلام سیاسی فقه‌ای	غربگرایی - اسلامی	تلاش برای بازگشت به سیاست نگاه به غرب، تنش زدایی در روابط بین الملل از طریق مذاکره

همانگونه که در جدول فوق مشاهده می‌گردد، مرور تحولات سیاسی در ایران پس از انقلاب نشان می‌دهد همانگونه که گفتمان دولت‌های پس از انقلاب بین گفتمان‌های اسلام سیاسی فقه‌ای و اسلام لیبرال قرار داشته سیاست‌گذاری کلی دولت‌ها نیز به صورت پاندولی در رفت و آمد بین این سیاست‌ها قرار داشته است. چنانچه بخواهیم علت این تغییر سیاست‌گذاری‌ها را بررسی نماییم خواهیم دید غیر از تغییر عوامل محیطی، تغییرگفتمان و هویت دولت‌ها در این تغییرات بیشترین نقش را داشته است و براساس مدل مفهومی پیش گفته می‌توان توضیحات علمی قابل قبولی در این زمینه ارائه کرد.

مدل مفهومی روش تحلیل سیاست‌گذاری‌های خارجی ایران پس از انقلاب

مدل فوق در زمینه‌ی بررسی رابطه‌ی گفتمان و سیاست‌گذاری خارجی در ایران نیز دارای قابلیت‌های توضیحی بالایی می‌باشد. برای نشان دادن این مطلب می‌توان گفتمان‌ها و سیاست‌گذاری‌های خارجی ایران در دهه‌ی اول و دوم انقلاب را بررسی نمود.

یکی از مسائل مهم در حوزه‌ی سیاست خارجی ایران در دهه‌ی اول و دوم این بود که آیا اختیارات و وظایف حکومت می‌تواند در مرزهای جغرافیایی محدود بماند یا نسبت به دیگر کشورهای اسلامی یا همه‌ی جهان مسئولیت‌هایی دارد؟ برخی معتقدند که حکومت اسلامی نسبت به مسلمانان سایر کشورهای اسلامی نیز مسئولیت داشته و باید به یاری مظلومین در هر جای دنیا بشتابد. برخی نیز مسئولیت دولت اسلامی را عمدتاً داخلی دانسته و معتقدند دولت حق ندارد منافع و امکانات و امنیت کشور را به خاطر مردم سایر کشورها به خطر بیندازد. نظریه‌ی ام‌القری نظریه‌ی سومی است که معتقد است قبل از هر چیز باید ماهیت و شأن نظام را تعیین کرد، سپس بر اساس آن سیاست خارجی خود را تنظیم نمود. (لاریجانی، ۱۳۷۷: ۴۰). بنابراین در تعیین اولویت‌های سیاست خارجی چند نظریه ارائه شده است که عبارتند از: پراگماتیسم مطلق، ملی‌گرایی، صدور انقلاب و ام‌القری. دو نظریه‌ی اول هر کدام به‌گونه‌ای بر منافع ملی در مقابل مسئولیت‌های فراملی تأکید دارند و از این جهت در مقابل نظریه‌ی



فصلنامه علمی - پژوهشی
مجموعه‌ی دانش‌های اسلامی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

صدور انقلاب قرار می‌گیرند. اما نظریه ام‌القری در کوتاه‌مدت بر منافع ملی و رفع نیازهای داخلی و در بلندمدت اهداف جهان‌شمول اسلام را در نظر دارد و بدین ترتیب در بین دیدگاه‌های حداقلی و حداکثری قرار می‌گیرد. (حقیقت، ۱۳۷۶: ۵۸).

نظریه ام‌القری در کنار نظریه ملی‌گرایی اسلامی و نظریه صدور انقلاب یکی از نظریات اصلی در تبیین جایگاه جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام است. ام‌القری در مقایسه با دو نظریه دیگر بیشتر بر مفهوم ((حکومت اسلامی)) و «مصلحت نظام» تأکید دارد در حالی که در ملی‌گرایی اسلامی؛ ملت اسلامی ایران با توجه مرزهای جغرافیایی کشور در چارچوب مفهوم دولت-ملت مدرن تحلیل می‌شود و در نظریه صدور انقلاب هم آرمان «استمرار انقلاب اسلامی» بیش از هر چیز اهمیت پیدا می‌کند (فیرحی، ۱۳۸۲: ۲۶۲).

طرح نظریه ام‌القری نقطه عطفی در فرآیند اصلاح نگرش در حوزه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از ایده آلیسم به رئالیسم محسوب می‌گردد. این نظریه توسط محمد جواد لاریجانی - معاون وزیر امور خارجه وقت - در اواخر دهه ۶۰ مطرح گردید که خاستگاه اصلی آن مکتب واقع‌گرایی بود. بنابراین تأکید آن بر ضروریات نیازها، مشکلات و معضلات داخلی سیستم بوده، هدف آن نیز بر طرف ساختن این معضلات بود. این نظریه از دو ستون اصلی تشکیل شده است. اول اینکه ما قصد داریم کشورمان را بر اساس یک نظام و نظر اسلامی بسازیم تا کشور پیشرفته و آبادی داشته باشیم. خواسته دیگر نیز این است که ما به هیچ عنوان نمی‌خواهیم حیثیت اسلامی خود را فراموش کنیم. ما بخشی از جهان اسلام هستیم و جهان اسلام نیز محدوده جغرافیایی خاصی ندارد. (رسالت، ۱۳۸۶/۲/۸، شماره: ۶۱۳۱). بر اساس این نظریه جهان اسلام یک امت واحد است و ملاک وحدت امت رهبری آن است. اگر کشوری بتواند با تشکیل حکومت اسلامی سطح رهبری خود را از مرزهای سرزمینی‌اش فراتر برد، در موقعیت ام‌القرای جهان اسلام قرار می‌گیرد.

از نظر مبتکران این نظریه، ایران پس از انقلاب اسلامی در چنین جایگاهی قرار گرفته و روح‌الله خمینی با تأسیس حکومت مبتنی بر ولایت فقیه در دو شأن رهبر ایران و رهبر امت اسلام قرار گرفت. به این ترتیب حکومت ایران بایستی علاوه بر منافع ملی به منافع جهان اسلام نیز بپردازد و دیگر کشورها نیز موظفند از ایران به عنوان ام‌القرای جهان اسلام حمایت و دفاع کنند. در صورتی که میان منافع ام‌القری و منافع امت تعارضی پیش آید منافع امت همواره مقدم است مگر در حالتی که مسئله بر سر حفظ نظام اسلامی در ام‌القری باشد. بر اساس این نظریه حفظ ام‌القری بر هر چیز دیگر اولویت دارد و در صورت



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي

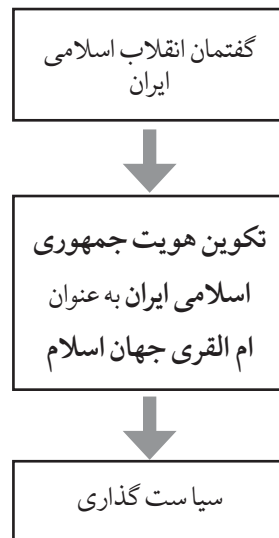
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام



لزوم می‌توان احکام اولیه اسلامی را هم برای حفظ آن به تعویق انداخت. (فیرحی، ۱۳۸۲: ۲۶۰-۲۶۱)

براساس دکترین ام القری اگر کشوری در میان کشورهای اسلامی ام القری شد، به نحوی که پیروزی یا شکستش پیروزی یا شکست کل جهان اسلام به حساب آید، در آن صورت حفظ ام القری برهر امر دیگری اولویت دارد (ازغندی، ۱۳۸۱: ۳۶) و تمام سیاست گذاری ها می بایست در جهت حفظ ام القری حرکت نماید. محمدجواد لاریجانی معتقد است که بدون تردید ایران ام القرای دارالاسلام است (لاریجانی، ۱۳۶۹: ۵۰) ایشان پس از اینکه در گفتمان انقلاب اسلامی چنین هویتی را برای ایران قائل می شود سپس روی به تجویزات سیاست گذارانه در این زمینه می آورد و بیان می کند که موقعیت ایران در جهان اسلام بسیار مهم است و بنابراین این کشور نباید محدود به مرزهای جغرافیایی خودش باشد؛ به این معنا که جمهوری اسلامی ایران باید دیپلماسی و سیاستش را طوری طراحی کند تا با موقعیتش در جهان اسلام هماهنگ باشد. به نظر وی هیچ کشوری جز ایران نمی تواند رهبری جهان اسلام را بر عهده بگیرد و این یک موقعیت عظیم تاریخی است (لاریجانی، ۱۳۶۹: ۴۵). پس از پایان جنگ ایران و عراق، سیاست گذاری های ایران عمدتاً بر اساس نظریه رئالیستی ام القری شکل گرفت که عملاً جایگزین تئوری ایده آلیستی ((صدور انقلاب)) شده است.

باید در مقابل دشمنان جهان اسلام واکنش نشان دهد.
امنیت ایران به معنای امنیت جهان اسلام است.
باید به حل مشکلات کشورهای جهان اسلام بپردازد.
ایران نباید محدود به مرزهای جغرافیایی خودش باشد.
ایران باید رهبری جهان اسلام را به دست بگیرد.



جهت بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران براساس نظریه ام القری می بایست هویت جمهوری اسلامی ایران را در نظر داشت. هویت جمهوری اسلامی ایران یک هویت اسلامی و ایرانی

است و نظریه ام القری نیز کاملاً براساس این نظریه صورتبندی شده است. هم لایه ی اسلامی هویت در آن دیده شده است و هم لایه ی ملی. هم منافع ملی در آن دیده شده و هم منافع اسلامی و جهان اسلام. پس اگر در برخی از برهه ها دیده می شود که ایران نسبت به مسائل و مشکلات کشورهای جهان اسلام بسیار حساس است و مشکلات آن ها را مشکلات خود می داند و در این راستا دست به یکسری اقدامات و سیاست گذاری ها می زند در حقیقت باید آن ها را در راستای گفتمان و هویت آن ارزیابی کرد. بنابراین مطابق با این نوع روش تحلیل؛ مفصل بندی ها، معنا بخشی ها و درنهایت سیاست گذاری ها بر اساس هویت هر گفتمان شکل می گیرد. براساس این روش تحلیل و مدل می توان دلایل سیاست گذاری های خارجی ایران در جهت حمایت از کشورهای مسلمانی مانند فلسطین، لبنان، بوسنی و هرزگوین، افغانستان، عراق و... را در گفتمان و هویت ایران جستجو کرد.



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش های بانی جهان اسلام
جمعیت ترانس آلمانی اسلامی

۴۲

سال یازدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۰

نتیجه گیری:

چندبعدی و چندرشته ای بودن مسائل مورد مطالعه درسیاست گذاری عمومی ایجاب می کند که پژوهشگران از روشهای پژوهش متنوع و بین رشته ای استفاده کنند. بنابراین کاربرد روش های معدود در تحلیل سیاست گذاری ها پذیرفتنی نیست. روشهای پژوهش در این حوزه می بایست هم کمی و هم کیفی باشند. روشهایی که فقط کمی یا فقط کیفی باشند سیاست گذاران را در تحلیل دچار اشتباه می کنند و خسارت های جبران ناپذیری را به بار می آورند. در مقاله حاضر سعی شده با تلفیق روش های کمی و کیفی این نقیصه مرتفع گردد. به همین دلیل در این مقاله به طراحی یک مدل تلفیقی پرداخته شده و با استفاده از نظریات گفتمان، هویت و سیاست گذاری؛ یک مدل مفهومی ارائه شده است. در این مدل درباره سهم گفتمان و هویت در تحول سیاست گذاری و نقش آنها در تغییرات سیاست گذاری ها نکاتی ارائه شد. این نکات نه فقط در سطح انتخاب ها و تصمیم گیری ها بلکه در سطح روش شناختی نیز قابل طرح است. هرگونه تغییر نگاه در ماهیت سیاست گذاری ها مستلزم بازنگری در ماهیت گفتمان و هویت می باشد. در نهایت جهت بررسی این مدل سیاست گذاری خارجی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام مورد تحلیل قرار گرفته است.

جهت بررسی سیاست گذاری های خارجی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام ما ناگزیر از بررسی و واکاوی گفتمان های هژمون در مقاطع مختلف تاریخ انقلاب و هویت شکل گرفته از دل این گفتمان ها هستیم. این بررسی ها نشان می دهد که سیاست گذاری های خارجی جمهوری اسلامی ایران طیفی از سیاست های مصالحه جویانه و سازش پذیر تا سیاست های تقابل جویانه را در بر گرفته است. پس از بررسی دلایل این تغییرات؛ آنچه مشهود است تغییرات و تحول گفتمانی در جامعه و دولت های ایران در چند دهه ی اخیر می باشد. بدین شکل که هر زمانی در ایران دولتی با گفتمان اسلام سیاسی فقهاتی حکومت را در دست گرفته، سعی کرده مبتنی بر هویت شیعی و اسلامی خود در برابر ظلم ایستادگی کرده است و منادی عدالت در جهان بالاخص جهان اسلام باشد. مجموعه ی این گفتمان باعث شده جمهوری اسلامی در سیاست گذاری خارجی به سمت و سوی نظریه صدور انقلاب؛ حمایت از مستضعفین و مظلومان عالم و ایستادگی در برابر آمریکا به عنوان نماد استکبار؛ حرکت کند. اما هر زمان دولت هایی با گفتمان اسلام سیاسی لیبرال بر مسند قدرت بوده اند مبتنی بر هویت لیبرالی خود، راه تعامل و مذاکره با کشورهای غربی را برگزیده اند و با در پیش گرفتن رویکرد تنش زدایی سیاست مصالحه جویانه ای را در پیش گرفته اند. از سوی دیگر از آن جایی که بیشتر کشورها و دولت های جهان اسلام،



دارای روابط استراتژیک - اگر نگوییم وابستگی - با آمریکا و سایر کشورهای غربی هستند. سیاست گذاری خارجی جمهوری اسلامی با کشورهای جهان اسلام ؛ بدون در نظر گرفتن نوع سیاستی که با دنیای غرب در پیش گرفته ؛ امکان پذیر نیست. به همین دلیل هر زمان که در سیاست گذاری خارجی ؛ سیاست نگاه به غرب و سیاست تنش زدایی برجسته شده به همان میزان ارتباط با کشورهای جهان اسلام نیز تقویت شده و بلعکس.

در انتهای این پژوهش به مسئولان سیاسی توصیه می گردد از آن جایی که سیاست گذاری ها رابطه ی ملموسی را با گفتمان ها برقرار می کنند ، آن ها نیز در سیاست گذاری هایشان همه ی گفتمان های موجود در جامعه را در نظر بگیرند و واقعیت های زندگی روزمره را مدنظر قرار دهند. اما چنانچه سیاست گذاری ها در یک فضای غیر واقعی تدوین شوند و گفتمان های موجود در جامعه در نظر گرفته نشود از میزان دسترسی به اهداف کاسته خواهد شد. سیاست گذاران می بایست با توجه به گفتمان های موجود در جامعه به اعمال و روابط فردی اعضای جامعه انسجام و جهت دهند و سیاست ها به گونه ای طراحی گردند که متناسب با گفتمان و هویت اعضای جامعه باشند تا افراد و جامعه را دچار چالش ها و بحران های هویتی نکنند.



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای بانی جهان اسلام
جمعیت ترانس آلم اسلام

کتابنامه:

- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۱) سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: قومس.
- بابایی، سحر، توکلی، غلامرضا (۱۳۹۶) «احصاء عقلانیت های پایه در فرآیند سیاست گذاری عمومی»، فصلنامه علمی پژوهشی سیاست گذاری عمومی، دوره ۳ شماره ۱.
- بردبار، احمدرضا (۱۳۹۵) «بازیابی شاخص های نهضت اسلامی ایران (باتاکید برجنبش های سیاسی کنونی جهان اسلام)»، فصلنامه ی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال ۶، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۵، صص ۲۳-۱.
- حسینی زاده، سیدمحمدعلی (۱۳۸۳) «نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی»، فصلنامه علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم، دوره ۷ شماره: ۲۸.
- حق شناس، محمدجواد (۱۳۹۷) «فرآیند سیاسی سیاست گذاری: رویکردی عملگرایانه به سیاست گذاری عمومی»، فصلنامه سیاست گذاری عمومی، دوره ۴ شماره ۲.
- حقیقت، صادق، حسینی، سیدمحمدعلی (۱۳۸۷) رهیافت و روش در علوم سیاسی، منوچهری، عباس، تهران: انتشارات سمت.
- حقیقت، سیدصادق (۱۳۷۶) مسئولیت های فراملی و سیاست خارجی دولت اسلامی، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک، چاپ اول.
- خمینی، روح الله (۱۳۶۹) صحیفه نور، ج ۴ و ۵، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- رسولی ثانی آبادی، الهام (۱۳۹۰) هویت و سیاست هسته ای در جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران.
- سرخیل، بهنام (۱۳۹۸)، «رسانه ها و قدرت گفتمانی با تاکید بر انقلاب اسلامی»، فصلنامه ی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال ۹، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۸، صص ۲۰۵-۱۷۷.
- سعید، بابی (۱۳۷۹) هراس بنیادین (اروپامداری و ظهور اسلام گرایی)، ترجمه غلامرضا جمشیدیهاوموسی عنبری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سلطانی، سیدعلی اصغر (۱۳۸۴) قدرت، گفتمان و زبان: سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر نی.
- شافریتز، جی. ام، کریستوفر پی، بریک (۱۳۹۰) سیاست گذاری عمومی در ایالات متحده آمریکا، ترجمه: حمیدرضا ملک محمدی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- عالم، عبدالرحمن. (۱۳۸۱) فلسفه سیاسی در غرب، تهران: انتشارات وزارت خارجه.
- فرقانی، محمد مهدی (۱۳۸۲) راه دراز گذر، تهران: فرهنگ و اندیشه.
- فولر، گراهام (۱۳۷۳) قبله عالم: ژئوپولیتیک ایران، ترجمه: عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.
- فیرحی، داوود (۱۳۸۲) نظام سیاسی و دولت در اسلام، تهران: انتشارات سمت.
- لاریجانی، محمدجواد (۱۳۷۷) درس های سیاست خارجی، تهران، مشکوه، چاپ اول.
- لاریجانی، محمدجواد (۱۳۶۹) مقولاتی در استراتژی ملی، تهران: مرکز ترجمه و نشر کتاب.



فصلنامه علمی - پژوهشی
مجموعه ی مطالعات جهان اسلام

- مارش، دیوید، استوکر، جری (۱۳۸۷) روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه: امیر محمدیوسفی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- مسعودنیا، حسین، صادقی نقدعلی، زهرا (۱۳۹۲) «خاورمیانه بزرگ جهان اسلام، چالشها و راهکارها»، فصلنامه ی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال سوم، شماره اول، بهار ۱۳۹۲، صص ۹۷-۱۱۸.

- ملایی، اعظم، کافی، مجید (۱۳۹۲) «احیای هویت اسلامی و ایدئولوژی تمامیت طلب آمریکایی»، فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال سوم، شماره دوم، تابستان، ۱۳۹۲، صص ۱۲۳-۱۴۲.

- ملک محمدی، حمیدرضا (۱۳۹۴) مبانی و اصول سیاست گذاری عمومی، تهران: انتشارات سمت.

- مولر، پی یر (۱۳۷۹) سیاست گذاری عمومی، ترجمه: حمیدرضا ملک محمدی، تهران: نشر دادگستر.

- نقیب زاده، احمد، هموئی، فاطمه (۱۳۹۲) «انگلیس واروپا، تحلیل گفتمان سیاست خارجی (مدل لاکلا و موف)»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره چهاردهم، صفحات ۱-۳۳.

- وحید، مجید (۱۳۸۸) سیاست گذاری عمومی، تهران: نشر میزان.

- هاف، تد (۱۳۸۵) نوید مکتب برسازی برای نظریه روابط بین الملل در اندرو لینکتر، نواقع گرای، نظریه انتقادی و مکتب برسازی، ترجمه: علیرضا طیب، تهران: وزارت امور خارجه: ۵۰۵-۴۵۰.

- هوارث (۱۳۷۷) «نظریه گفتمان»، فصلنامه علوم سیاسی، ترجمه: سیدعلی اصغرسلطانی، شماره ۲.

- روزنامه رسالت، ۱۳۸۶/۲/۸، تهران، شماره ۶۱۳۱

- Anderson, J. (1990), Public Policy-making: An Introduction, Boston: Houghton Mifflin.
- Birkland, T. (2005) An Introduction to Policy Process (2 Ed.), N. Y. :ME Sharp.
- Cochran, C. and Malone, E. (1995) Public Policy: Prespectives and Choices, New York: Mac Graw Hill.
- Dye, T. (2002) Understanding Public Policy, New Jersey: Prentic Hall.
- Fearon, J, Wendt, A, 2005, Rationalism V. Constructivism: A skeptical View. in Handbook of International Relations. London: Sage Publication.
- Howarth, D. (2000). Discourse. UK: Open University Press.
- Jaworski, Adam & Coupland, Nikolas (1999) The Discourse Reader. Routledge.
- Lasswell, Harold. D. (1959) The Policy Science, Stanford: Stanford University Press.
- Mirbaghari, F. (2004). Shiism and Iran's Foreign Policy . The Muslim World, 94(3): 555-570.
- Nutley, S. & J. Weeb (2000), Evidence and Policy Process, in Davis HTO et al. (2000), What Works? Evidence-based Policy and Practice in Public Service, Bristol: Policy Press.
- Peters, B. G. (2004) American Public Policy: Promise and Performance (7 Ed.) N. Y. : CQ Press.



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام
جمعیت پژوهشگران علوم اسلامی

- Smith, Kevin. Larimer, Christopher (2009), The public policy theory primer, Boudler, west view.
- Smith, S. (2001). Reflectivist and Constructivist Approaches in International Theory. in Baylis and Smith. Oxford: Oxford University Press: 224-249.

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۱۰۴۰۲

به این مقاله این گونه ارجاع دهید:

نظری، حامد؛ امام جمعه زاده، سیدجواد؛ علی حسینی، علی (۱۴۰۰)، «هویت، گفتمان و سیاست گذاری جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام» فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س ۱۱، ش ۴، زمستان ۱۴۰۰، صص ۴۷-۲۳.

